



علم بی عمل و عمل بدون آگاهی خطرناک است / راه رهایی از خودشیفتگی

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه علم بدون عمل و عمل بدون آگاهی هر دو خطرناک اند، گفت: خودشیفتگی بدترین بیماری مهلک انسان است که راه رهایی از خودشیفتگی مطالعه خویش و خودشناسی است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه علم بدون عمل و عمل بدون آگاهی هر دو خطرناک اند، گفت: خودشیفتگی بدترین بیماری مهلک انسان است که راه رهایی از خودشیفتگی مطالعه خویش و خودشناسی است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه عصر روز گذشته، ۲۱ مهرماه در برنامه «معرفت»؛ که از شبکه ۴ سیما پخش می‌شد، در تفسیر قسمت‌های از کتاب خود، «پرسش از هستی» و «پرسش هستی‌پرستان»؛ درباره ارتباط علم و عمل اظهار کرد: انسان موجودی است که هم اهل علم است و هم عالم می‌شود و آگاهی نسبت به این جهان پیدا می‌کند و اهل عمل هم است.

وی افزود: در اینجا شاید گفته شود که موجودات دیگر هم اهل عمل هستند، اما یک تفاوتی بین علم و عمل انسان باید قائل شد. هر موجودی دارای فعل و اثر است. شما موجودی که در این عالم دارای اثر نباشد، پیدا نمی‌کنید و در جای خودش هم می‌تواند مؤثر باشد. انسان هم دارای آثار و افعال است ولی یک عملی دارد که با عمل سایر موجودات فرق دارد.

دینانی تصریح کرد: حیوانات بر حسب غریزه کارشان را انجام می‌دهند، در این میان انسان با موجودات دیگر فرق می‌کند. انسان را نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چگونه می‌خواهد عمل کند. به حدس و گمان می‌شود گفت ولی به طور قطع و یقین نمی‌شود گفت که به طور مثال برای فردایش چه برنامه‌ای دارد.

چهره ماندگار فلسفه با طرح این سؤال که چرا انسان را نمی‌شود پیش‌بینی کرد، خاطرنشان کرد: برای اینکه انسان آزادی دارد و آزادانه عمل می‌کند؛ چون انسان آزاد است و بر اساس آزادی عمل می‌کند. پیش‌بینی عمل انسان امکان ندارد. در یک لحظه امکان دارد یک مؤمن کافر شود و بالعکس یک کافر ملحد درجه یک با یک لاله‌والله می‌شود.

این استاد دانشگاه ادامه داد: اگر علم و عمل انسان با هم همراه شود، پروازش اندازه ندارد. حکما علم و عمل انسان را به بال دو پرنده تشبیه کرده‌اند؛ پرنده با یک بال نمی‌تواند پرواز کند. انسان اگر علم تنها داشته و عمل نداشته باشد، تبدیل به ادعا و گرافه می‌شود و مدعی می‌شود و عمل تنها هم اگر آگاهانه نباشد، به درد نمی‌خورد و می‌تواند خطرناک هم باشد. اگر انسان‌ها در جامعه با علم و عمل با یکدیگر تعامل داشته باشند، لطیف می‌شوند. انسان‌هایی که در رودخانه زندگی همراه زندگی حرکت می‌کنند و تعامل بشردوستانه با یکدیگر دارند، صلابتشان را دارند ولی تیزی و برندگی خودشان را از دست می‌دهند.

وی با اشاره به یکی از آیات قرآن گفت: کجا خداوند به خشم می‌آید؟ آنجایی که حرف برزیم ولی عمل نکنیم. این علم بدون عمل از نظر حق تبارک و تعالی بسیار بد است. علم بدون عمل، شخص را فاسد می‌کند. ادعای انسان به جایی می‌رسد که ادعای الوهیت می‌کند. وقتی علم با عمل تبدیل نشد، به ادعا تبدیل می‌شود. وقتی که به ادعا تبدیل شد، ادعا حد ندارد و تا فرعونیت پیش می‌رود. در جامعه هم تأثیر بسیار بدی بر مردم دارد. مردم وقتی عالمی را می‌بینند که به علمش عمل نمی‌کند، ایمانشان را از دست می‌دهند. ادعا خودپرستی می‌آورد و خودپرستی، ادعا.

دینانی تصریح کرد: کسی که خودپرست است، گوش به حرف دیگران نمی‌دهد، هم برای خودش زیانبار است و هم برای جامعه. علم بی‌عمل بسیار خطرناک است و البته عمل بدون آگاهی هم مضر است؛ هر دوی آنها خطرناک هستند و ما باید سعی کنیم علم و عمل را با یکدیگر همراه کنیم. پس برای اینکه دچار از خودشیفتگی نشویم، باید سعی کنیم علم و عمل را با یکدیگر همراه کنیم. از علم بی‌عمل پرهیز و از عمل بدون علم اجتناب کنیم.

وی افزود: آدم خوشیفته به حرف کسی گوش نمی‌دهد؛ خودش یفتگی بدترین بیماری مهلك برای انسان است و برای اینکه انسان خوشیفته نباشد، باید خودش را مطالعه کند؛ یعنی اندیشه‌های خود را بیانیشد. تنها موجودی که می‌تواند اندیشه‌های خودش را بیانیشد، انسان است یعنی دوباره روی فکر خودش، فکر می‌کند.

چهره ماندگار فلسفه گفت: سه خصلت در انسان است که در هیچ موجود دیگری وجود ندارد؛ خصلت اول این است که آزاد است. دوم اینکه انسان به مصاحبت با دیگران نیازمند است. خصلت سوم این است که در این مصاحبت باید رعایت عدالت و انصاف را انجام دهد. انسان نیازمند اخلاق است. انسان بدون اخلاق در حد یک حیوان تنزل پیدا می‌کند.

دینانی تأکید کرد: فلسفه، اندیشیدن عمیق است. انسان موجود اندیشمند است اما بین اندیشیدن‌ها تفاوت وجود دارد. علم و فلسفه، اخلاق و دین. عرف و اجتماع. همه اینها باید در یک نظام دینی، اخلاقی و اجتماعی هماهنگ شود. اگر علم و عمل با هم هماهنگ شوند، دین، اخلاق و فلسفه و علم هم با هم هماهنگ می‌شوند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: انسان اگر به عظمت و بزرگی حق تعالی پی ببرد، دیگر ادعای بزرگی نمی‌کند. این توحید است و دیگر اینکه خود را در معرض نقد قرار دهد. راه‌هایی از این بیماری‌ها، خودشناسی است. انسانی که خودش را نشناسد، ولی همه عالم را هم بشناسد، آرامش پیدا نمی‌کند و با اندیشیدن و اخلاق به آرامش می‌رسد.